



Child Rights Journal

2021; 3(10): 1-13

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>



International Think Tank of
Human Dignity



The Iranian Association of
Medical Law



The Iranian Association of
Child Rights

Child Marriage: A Phenomenological Approach

Narges Pourtaleb^{1*} , Seyedeh Behnaz Mousavian Alenjaq²

1. Department of Psychology, Institute of Higher Education Roshdiyeh, Tabriz, Iran.

2. Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Child marriage is one of the controversial issues in the field of humanities that can be studied as interdisciplinary subject. Few qualitative studies have investigated this problem. Therefore, this study was performed to investigate child marriage.

Method: This is a qualitative study with a phenomenological approach. In this study, 15 numbers from different sectors of the society were selected. Data was collected by using semi – structured interviews and analyzed using Smith method. After data analyze, 4 main themes and 26 sub-themes were extracted.

Results: It was revealed that in some sub-themes such as definition of child marriage, consequences and causes, there was a consistency between individuals lived experiences and background. But in feedbacks different results were obtained. Individuals based on their personal preferences, propose different methods for parents, society and youngsters. The results of this study will pave the way for further research on the interventions related to child marriage.

Conclusion: Individuals based on their personal preferences, propose different methods for parents, society and youngsters. Among these, paying attention to the local conditions, using the platform of culture and the existence of an official mechanism to give importance to the satisfaction of people in marriage has an important place. The results of this study will pave the way for further research on the interventions related to child marriage.

Keywords: Marriage, Spouse, Child Marriage

Corresponding Author: Narges Pourtaleb; **Email:** pourtalebn@gmail.com

Received: May 8, 2021; **Accepted:** July 17, 2021

Please cite this article as:

Pourtaleb N, Mousavian Alenjaq SB. Child Marriage: A Phenomenological Approach. *Child Rights Journal*. 2021; 3(10): 1-13.



انستیتو ملی حقوق کودک ایران



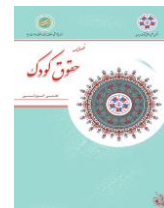
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران



انجمن علمی حقوق کودک ایران

فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره دهم، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۱۳-۱

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>

کودک همسری: رویکردی پدیدار شناسانه

نرگس پورطالب^{۱*}، سیده بهناز موسویان النجق^۲

۱. گروه روانشناسی، مؤسسه آموزش عالی رشدیه، تبریز، ایران.

۲. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کودک همسری از جمله موضوعات حساس و قابل بحث در حوزه علوم انسانی در دنیای امروز است که به صورت موضوع بین رشته‌ای قابل بررسی است. پژوهش‌های کیفی که بتواند این پدیده را عمیقاً و از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهد، اندک است. از این جهت، پژوهش حاضر با هدف بررسی پدیدارشناسانه کودک همسری انجام گرفت.

روش: این تحقیق از نوع پژوهش‌های کیفی و مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی است. اطلاعات با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و از ۱۵ نفر از اقشار مختلف جامعه گردآوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش پدیدار شناسی اسمیت استفاده شد که طی آن ۴ مضمون اصلی و ۲۶ مضمون فرعی از داده‌ها استخراج گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در برخی مضامین فرعی نظیر تعریف، پیامدها و علل کودک همسری، بین تجربیات زیسته افراد با پیشینه تا حدودی همسویی وجود دارد؛ ولی در راهکارهای ارائه‌شده نتایج متفاوتی دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری: افراد بنا به ترجیحات شخصی خود راهکارهای مختلفی برای والدین و جامعه و خود جوانان در حوزه رفع چالش‌های کودک همسری پیشنهاد کرده‌اند. در این میان توجه به شرایط بومی، استفاده از ابزار فرهنگ‌سازی و وجود سازوکار رسمی برای اهمیت‌دهی به رضایت افراد در ازدواج جایگاه مهمی دارد. نتایج حاصل از این پژوهش راهگشای تحقیقات بیشتر در حوزه مسائل مربوط به ازدواج و اثرات فردی و اجتماعی آن خواهد بود.

واژگان کلیدی: ازدواج، همسر، کودک همسری

نویسنده مسئول: نرگس پورطالب؛ پست الکترونیک: pourtaleb@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Pourtaleb N, Mousavian Alenjaq SB. Child Marriage: A Phenomenological Approach. Child Rights Journal. 2021; 3(10): 1-13.

مقدمه

ازدواج (Marriage) به‌عنوان یکی از رسوم دیرینه و محبوب به‌شمار می‌رود که طی آن زن و مرد متعهد می‌شوند تا زندگی، امکانات و آینده خود را با یکدیگر شریک شوند (۱). با این حال وقتی ازدواج در سن مناسب صورت نگیرد منجر به آسیب‌های فردی و پیامدهای اجتماعی خواهد شد (۱). امروزه یکی از موضوعات بحث برانگیز در مجامع علمی بین‌المللی بحث «کودک همسری (Child marriage)» است. از نظر جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی نظیر یونیسف (UNICEF) کودک همسری مصداق بارز نقض حقوق بشر (Human rights) و حقوق کودک است (۲).

طبق تعاریف ارائه شده، کودک همسری به ازدواجی اطلاق می‌شود که فرد حین ازدواج به سن تقویمی ۱۸ سالگی نرسیده باشد. البته اطلاق کودک به افراد زیر ۱۸ سال از جانب مجامع بین‌المللی حقوقی و علمی از جمله یونیسف مطرح است (۳) و در منابع علمی دوره کودکی تا ۱۱ سالگی معرفی شده است و بعد از آن فرد وارد دوره نوجوانی می‌شود (۴). کودک همسری که در جوامع سنتی بیشتر رایج است، تغییرات و تحولات خاصی در زندگی دختران ایجاد می‌کند که نیازمند انتقال سریع به نقش‌های بزرگسالی است در حالی که ممکن است این کودکان توانایی سازگاری با این شرایط را نداشته باشند. یافته‌ها در این زمینه بیانگر این هستند که ازدواج زودهنگام پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سلامتی و بهداشتی برای کودک عروسان، خانواده آن‌ها و جوامع دارد؛ از طرف دیگر سایر پژوهش‌ها براین باورند، دخترانی که در مناطق محروم و مناطق روستایی زندگی می‌کنند و فرزندان خانواده‌های کم‌بضاعت هستند یا از شانس کمتری برای تحصیل برخوردارند، بیشتر در معرض ازدواج زودتر از موعد قرار دارند. این ازدواج‌ها معمولاً توسط

والدین و خانواده‌های دختران سازماندهی می‌شوند و در بیشتر موارد این دختران اختلاف سنی زیادی با همسرانشان دارند (۵). بنابراین زمانی که دختران به لحاظ جسمانی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را ندارند، ازدواجی که شکل می‌گیرد زودهنگام و با بی‌توجهی به حداقل سن قانونی تعیین شده است؛ و در بسیاری از موارد این ازدواج‌ها به شکل رسمی ثبت نمی‌شوند (۶). حصول رضایت در ازدواج ترتیب داده شده برای دختران کم سن و سال جای شک و تردید است چرا که دختران خردسال تمامی حقایق و اطلاعات کافی در خصوص ازدواج را ندارند.

ازدواج زودهنگام در اغلب نقاط جهان اتفاق می‌افتد و برای افراد مخصوصاً دختران پیامدهایی از جمله مرگ و میر در طول بارداری یا زایمان، به دنیا آورد نوزادان کم وزن و یا با تاخیر در رشد شناختی و جسمانی را به دنبال دارد. علی‌رغم پیامدهای این پدیده هنوز هم مطالعات علمی کافی در این راستا مخصوصاً در ایران انجام نگرفته است. این درحالیست که شروع زندگی مشترک و ایفای تکالیف مربوط به آن، مستلزم آمادگی و قوای جسمی و رشد و قوای عقلانی افراد است. بی‌تردید در پرتو احترام به کرامت انسانی و برخورداری کودک از حق مشارکت و تصمیم‌گیری و با رعایت مساوات، عدم تبعیض و مصالح عالی‌ه وی، باید از اعمال هرگونه آسیب جسمی، روانی و جنسی بر کودک ممانعت ورزید (۷).

براساس آمار سازمان جهانی یونیسف، ۶۵۰ میلیون کودک عروس در جهان زندگی می‌کنند که شامل دختران و زنانی می‌شود که در کودکی ازدواج کرده‌اند. به علت پاندمی کووید-۱۹ آمار دقیقی از ازدواج کودکان در جهان، در سال ۲۰۲۰ در دسترس نیست اما پژوهش‌های سازمان جهانی یونیسف نشانگر افزایش این آمار در طول دوران این بیماری است (۸). در ایران براساس آمار ثبت

روش پدیدارشناسی نیست. زیرا که عمده‌ترین هدف این روش بررسی تجربه درونی افراد از پدیده‌ها و درک تجارب ذهنی آن‌ها از این وقایع است. با عنایت به آنچه که مطرح شد، پژوهش حاضر با هدف بررسی کودک همسری و نحوه مدیریت فرایند ازدواج در سطح جامعه انجام گرفت تا در نهایت نتایج آن بتواند مسیر توسعه راهبردهای افزایش ازدواج‌های مناسب و ارتقاء برنامه‌های فردی و اجتماعی را در این حوزه هموار سازد.

روش

در این پژوهش، روش تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناسی بکار برده شد. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه کیفی نیمه سازمان‌یافته بود. جامعه آماری این پژوهش، افراد بزرگسال شهر تبریز بودند. برای نمونه‌گیری، از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. با توجه به این که در روش پدیدارشناسی تعداد نمونه بین ۵ تا ۲۵ نفر متغیر است، در این مطالعه نیز پس از مصاحبه با ۱۵ نفر از زنان و مردان داده‌ها به حالت اشباع رسیدند، لذا تعداد نمونه ۱۵ نفر در نظر گرفته شد. با استفاده از مصاحبه نیمه سازمان‌یافته عمیق، داده‌ها گردآوری شد. در جریان مصاحبه سؤالات کلی نظیر تعریف کودک همسری، اینکه چه چیزی باعث آن می‌شود؟ و برای کاهش ازدواج‌های نابهنگام چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟ پرسیده شد و از دل جواب‌های مصاحبه شونده‌گان سؤالات فرعی ایجاد شد. معیار اصلی ورود به پژوهش داشتن حداقل ۲۵ سال سن، دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم و تجربه ازدواج بود. مصاحبه شونده‌گان افراد دارای تجربه ازدواج در سنین پایین و صاحب‌نظران در حوزه علوم انسانی بودند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش پدیدارشناسی اسمیت استفاده شد که شامل: ۱. تولید داده‌ها ۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها و ۳. تلفیق موارد می‌باشد (۹). به این

احوال استان تهران در سال ۱۳۹۰، ۷۵ دختر و پسر کمتر از ۱۰ سال ازدواج کرده‌اند (۳). تحقیقات نشان می‌دهد ازدواج زودهنگام علت ترک تحصیل ۵۶ درصد از افراد متأهل است (۳). براساس گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل (united nations population fund)، در کشورهای در حال توسعه از هر سه دختر یک نفر در نوجوانی ازدواج می‌کند که معادل ۳۴ درصد جمعیت گروه سنی نوجوانان است (۵).

البته در ایران توجه به تناقض روندهای ازدواج حائز توجه است. روند ازدواج در ایران یک مقیاس دوقطبی است. در یک طرف این قطب جمعیت جوان، فعال و اغلب شهرنشین قرار دارند که ازدواج را تا میانسالی به تأخیر می‌اندازند و در طرف دیگر قطب، به دختران و پسران خردسالی می‌رسیم که به نوعی قربانیان کودک همسری هستند. نرخ طلاق در ایران در سنین ۱۰ تا ۱۸ سال به شکل چشمگیری بالاست. طبق داده‌های جمعیت شناختی در سال ۱۳۹۳، ۲۱۱۴۹ دختر و پسر زیر ۱۸ سال طلاق گرفته‌اند (۵).

با توجه به مطالب مطرح‌شده بررسی پدیده ازدواج نابهنگام از منظر علمی و از ابعاد مختلف، کاملاً ضروری است؛ اما همچنان مبرهن است که به طور قطع با انجام پژوهش‌های کمی نمی‌توان به بررسی ابعاد یک پدیده و این که چگونه، افراد آن پدیده را ادراک می‌کنند، دست یافت. از آن گذشته بررسی پیشینه موضوع وضعیت خوشایندی را در کشورمان نشان نمی‌دهد. به علاوه پرداختن به یک پدیده آنچنان که توسط خود افراد، زیسته و ادراک می‌شود و شناخت معنای واقعی که در برخورد روزمره با این رفتارها حاصل می‌شود، راهگشاتر است؛ لذا باید از روش‌هایی که بتوانند این تجربیات را آن‌گونه که هستند، توصیف کنند استفاده کرد و آن روش‌ها چیزی جز روش‌های کیفی پژوهش و از آن جمله

ترتیب که مصاحبه‌ها پس از ضبط بر روی فایل صوتی به نوشتار تبدیل شده و محقق به خواندن و بازخوانی مکرر متن هر یک از مصاحبه‌ها پرداخته و سپس مضمون‌های جزئی و فرعی تعیین و نام‌گذاری شد. به طوری که در ابتدا ۶ مضمون اصلی و ۵۱ مضمون فرعی به دست آمد. پس از آن، محقق با استمرار مقایسه و لحاظ کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های مضمون‌های فرعی، مضمون‌های کلی‌تر (درون مایه‌ها) را استخراج کرد. برای هر یک از مصاحبه‌ها، یک جدول خلاصه‌سازی تدوین شد و در نهایت از طریق تلفیق، فهرست کاملی از مضمون‌ها (۴ مضمون اصلی و ۲۶ مضمون فرعی)، استخراج شد.

جهت دستیابی به اعتبار سؤالات کلی و اولیه مصاحبه از نظرات اساتید، استفاده گردید و در جریان مصاحبه سؤالات جزئی‌تر براساس پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد. برای حصول اطمینان از قابلیت اطمینان داده‌های پژوهش از روش مطالعه مکرر، مقایسه داده‌ها، خلاصه‌سازی و دسته‌بندی اطلاعات بدون این که در داده‌ها تغییراتی ایجاد شود، استفاده شد.

همچنین، جهت تأیید صحت علمی و استحکام داده‌های پژوهش از قابلیت تایید، قابلیت اعتبار و قابلیت اعتماد استفاده گردید. از طریق مقایسه با پیشینه تحقیق، نظارت مداوم بر پژوهش از ابتدا تا انتها، و استفاده از نمونه کافی و مناسب و ادامه مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع، سعی شد

تا قابلیت تأیید حاصل شود. به علاوه قابلیت اعتبار با تحلیل و کدگذاری داده‌ها توسط محقق دیگر و مقایسه نتیجه آن با تحلیل خود محقق و در نهایت با برگرداندن نتایج تحلیل به تعدادی از مصاحبه‌شوندگان و اخذ نظرات آن‌ها، حاصل شد. با توجه به این که در تحقیق کیفی خود محقق به عنوان ابزار تحقیق محسوب می‌شود، لذا قابلیت اعتماد تحقیق به توانایی و تلاش محقق وابسته است، به همین جهت یک فرایند کامل طراحی شد تا اطمینان حاصل شود که از هرگونه سوگیری پرهیز شده است و تجارب آشکار مصاحبه‌شوندگان با پیش‌فرض‌ها و دانسته‌های قبلی محقق آلوده نشده است. در این تحقیق جهت رعایت اخلاق پژوهش به آزمودنی‌ها در خصوص محرمانه ماندن نظرات آن‌ها و از بین بردن اطلاعات بعد از پایان پژوهش اطمینان کامل داده شد.

یافته‌ها

در این جستار، پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۴ مضمون اصلی و ۲۶ مضمون فرعی استخراج گردید که می‌تواند نشان دهنده تجارب زیسته افراد از کودک همسری باشد. در ادامه، هرکدام از این مضامین به تفصیل در چارچوب مندرجات جدول صفحه آتی و مباحث پیرو آن، بیان شده است.

جدول ۱: مضامین اصلی و فرعی مستخرج از داده‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی
تعریف کودک همسری	زیر سن قانونی اجبار عدم بلوغ در ابعاد مختلف رشد مشکل در تنظیم هیجان تربیت ناموفق فرزندان ترک تحصیل مشکلات روانشناختی مشکلات بارداری و زایمان
پیامدهای کودک همسری	افزایش ازدواج‌های ثبت نشده و افراد بدون شناسنامه افزایش خشونت‌های خانگی و قربانی بودن زنان ادامه زندگی زناشویی از روی اجبار میزان بالای طلاق
علل زمینه ساز کودک همسری	مشکلات اقتصادی و فقر فضای مجازی عدم توجه به نیازهای عاطفی آشفته‌گی‌های خانوادگی فرهنگ عشیره‌ای و قومی فساد اجتماعی تنوع طلبی یا اختلال روانی و جنسی مردان آگاهی بخشی عمومی از طریق رسانه‌ها و آموزش و پرورش فرهنگ سازی مشروط کردن ازدواج‌ها به مشاوره پیش از ازدواج در قالب قانونی با ضمانت اجرایی در نظر گرفتن ابعاد مختلف رشد در ازدواج نه فقط سن آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض به خانواده‌ها ارتقاء سواد رسانه در اقشار مختلف جامعه بالاخص نوجوانان و جوانان
راهکارهای پیشگیری از کودک همسری	

مراجع قدرت (مثلا والدین یا مراقبان) صورت گیرد، کودک همسری نامیده می شود».

۲. مصادیقی از پیامدهای کودک همسری: در پژوهش حاضر، این که از نظر مصاحبه شوندهگان، کودک همسری چه پیامدهایی را به دنبال دارد، نیز مورد بررسی قرار گرفت و مضمون اصلی دوم یعنی مصادیقی از پیامدهای کودک همسری از مصاحبهها استخراج شد که خود شامل نه مضمون فرعی بود.

مضامین فرعی عبارت بودند از: مشکل در تنظیم هیجان، تربیت ناموفق فرزندان، ترک تحصیل، مشکلات روانشناختی، مشکلات بارداری و زایمان، افزایش ازدواج های ثبت نشده و افراد بدون شناسنامه، افزایش خشونت های خانگی و قربانی بودن زنان، ادامه زندگی زناشویی از روی اجبار، میزان بالای طلاق.

۲-۱. مشکل در تنظیم هیجان: شرکت کنندگان در مصاحبه، مشکلات هیجانی را به عنوان مصداق عینی از پیامدهای کودک همسری معرفی کردند. «از جمله پیامدهای کودک همسری می توانم به مشکلات هیجانی این افراد از جمله خشم های فروخورده اشاره کنم؛ زمانی که فردی در سنین کودکی وارد ارتباطی می شود که هیچ مهارتی در آن ندارد، اغلب در برابر خواسته های همسر و اطرافیانش خواسته و ناخواسته تسلیم می شود و تمایلات خود را نادیده می گیرد یا سرکوب می کند که این شرایط در طولانی مدت مشکلات هیجانی و خشم را به دنبال می آورد» (شرکت کننده شماره ۱۲).

۲-۲. تربیت ناموفق فرزندان: تحلیل داده های حاصل از مصاحبه ها، همچنین تربیت ناموفق فرزندان را به عنوان یکی دیگر از پیامدهای کودک همسری نشان داد. مثلاً یکی از شرکت کنندگان گفته است: «اغلب والدین کودک همسر در تربیت فرزندانشان نیز با مشکلاتی مواجه هستند چون نه اطلاعات کافی دارند و نه هویت سالمی

۱. تعریف کودک همسری: نخستین مضمون اصلی شناسایی شده، تعریف کودک همسری بود که برای آن سه مضمون فرعی «زیر سن قانونی، اجبار و عدم بلوغ در ابعاد مختلف رشد» شناسایی شد.

۱-۱. زیر سن قانونی: تحلیل تجارب تعداد زیادی از مصاحبه شوندهگان نشان داد که افراد کودک همسر، اغلب در جامعه زیر ۱۸ سال هستند، اما با این حال بعضاً افراد معتقدند سن، ملاک خوبی برای تعیین این مسئله نیست. «به اعتقاد من کودک همسری یعنی ازدواج قبل از رسیدن به سن قانونی یعنی قبل از ۱۸ سالگی، که در مجامع بین المللی هم بر آن تاکید شده است» (شرکت کننده شماره ۳).

۲-۱. اجبار: اجبار به ازدواج یکی دیگر از مضامین فرعی در مفهوم کودک همسری بود. برای نمونه یکی از مصاحبه شوندهگان گفته است: «کودک همسری زمانی مطرح می شود که فرد از روی اجبار والدین به ازدواج تن می دهد و توانایی ابراز مخالفت ندارد» (شرکت کننده شماره ۹).

۳-۱. عدم بلوغ در ابعاد مختلف رشد: براساس نتایج حاصل از تحلیل، در کودک همسری به ابعاد مختلف رشد فرد توجه نمی شود و فقط بلوغ جسمانی مد نظر قرار می گیرد در حالی که رشد باید در ابعاد مختلف صورت بگیرد تا زمینه ازدواج موفق محقق شود. نظر شرکت کننده شماره ۲ مؤید این مضمون است: «زمانی که برای ازدواج، فقط بلوغ جسمانی مدنظر باشد و به سایر ابعاد رشد توجه نشود و نیازهای روانی و عاطفی فرد مورد توجه نباشد، کودک همسری اتفاق خواهد افتاد».

با توجه به مضامین فوق، تعریف کودک همسری عبارت است از «ازدواجی که قبل از رسیدن فرد به سن قانونی و بدون توجه به ابعاد مختلف رشدی فرد و از روی اجبار

در معرض خطر می‌نامند که با زایمان‌های پرخطر همراه هستند» (شرکت کننده شماره ۱).

۲-۶. افزایش ازدواج‌های ثبت نشده و افراد بدون شناسنامه: تعدادی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند که بعضی ازدواج‌های ثبت نشده و افراد بدون شناسنامه از پیامدهای کودک همسری هستند. «زمانی که به شرایط قانونی ازدواج توجه نمی‌شود و خانواده‌ها فرزندان خردسالشان را به همسری می‌دهند، به صورت غیرثبتی و صیغه‌ای ازدواج می‌کنند که هیچ تعهدی این ازدواج را ضمانت نمی‌کند و فرزندان حاصل از این نوع ازدواج‌ها سال‌ها بدون شناسنامه و بدون هویت زندگی می‌کنند» (شرکت کننده شماره ۴).

۲-۷. افزایش خشونت‌های خانگی و قربانی بودن زنان: خشونت خانگی یکی دیگر از پیامدهای کودک همسری استخراج شده از تجربیات زیسته افراد است. «در خانواده‌هایی که سن مناسب ازدواج رعایت نشده است، خشونت‌های خانگی نظیر کتک زدن، فحش دادن و ... بیشتر دیده می‌شود که اغلب زنان قربانیان این خشونت‌ها هستند» (شرکت کننده شماره ۱۰).

۲-۸. ادامه‌دادن به زندگی زناشویی از روی اجبار: شرکت‌کنندگان در مصاحبه، ادامه‌دادن زندگی زناشویی از روی اجبار را به عنوان مصداق عینی از پیامدهای کودک همسری معرفی کردند. «به خاطر سن کمی که داشتم به کارهایی تن داده‌ام که تمایل به زندگی را از دست داده‌ام و صرفاً به خاطر حضور فرزندانم این زندگی را تحمل کرده و می‌کنم.» (شرکت کننده شماره ۶).

۲-۹. میزان بالای طلاق: تعداد زیاد طلاق‌های کودک همسران آخرین مضمون فرعی مربوط به پیامدهاست. «تعداد زیادی از همسرانی که نا آگاهانه و در سنین

در خودشان شکل گرفته که بتوانند به فرزندانشان کمک کنند. البته عده‌ای می‌گویند چون فاصله سنی بین والد و فرزند کم هست بهتر فرزند را درک می‌کنند، اما من موافق نیستم» (شرکت کننده شماره ۷).

۲-۳. ترک تحصیل: ترک تحصیل یکی دیگر از پیامدهای کودک همسری استخراج شده از تجربیات زیسته افراد است. تعدادی زیادی از افراد کودک همسر بعد از ازدواج مجبور به ترک تحصیل می‌شوند که این شرایط، در تعاملات اجتماعی سرخوردگی را به همراه دارد. «من خودم وقتی در مدرسه فرزندم، مدرک تحصیلی والدین را می‌پرسند با شرمندگی می‌گویم، هفتم و توضیح چرایی‌اش را می‌دهم تا فکر نکنند به دلیل عدم توانایی درس نخوانده‌ام» (شرکت کننده شماره ۶).

۲-۴. مشکلات روان‌شناختی: می‌توان گفت تقریباً همه شرکت‌کنندگان در پژوهش، مشکلات روان‌شناختی نظیر اضطراب‌های تعمیم یافته، افسردگی و دردهای بدنی بدون علت پزشکی را از جمله پیامدهای کودک همسری دانسته‌اند. «زمانی که فردی به اقتضای سن خود زندگی نمی‌کند و مدام باید مثل مرد یا زنی پخته رفتار کند و اجازه اشتباه ندارد و اگر ناخواسته رفتاری ناهمخوان با شرایطش (متاهلی) انجام دهد، سرزنش شود؛ همه این فشارها، مشکلات روانی را زمینه‌سازی خواهد کرد» (شرکت کننده شماره ۹).

۲-۵. مشکلات بارداری و زایمان: اکثر شرکت‌کنندگان در پژوهش معتقدند که تعداد زیادی از زنان کودک همسر بارداری و زایمان دشواری را سپری می‌کنند. «زمانی که مادری هنوز رشد بدنی‌اش تکامل نیافته، باردار می‌شود، به دلیل از دست دادن ذخایر بدنی، بعدها مشکلات جسمانی بیشتری را تجربه می‌کند. هر چند علم پزشکی پیشرفت کرده ولی همه پزشکان این بارداری‌ها را

همسری را فراهم کند. «زمانی که در خانواده‌ای آرامش حاکم نیست و اعضا مخصوصاً والدین با همدیگر کشمکش دارند، فرزندان مخصوصاً دختران بالاجبار با تن دادن به ازدواج به فکر رهایی از این زندگی هستند» (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

۳-۵. فرهنگ عشیره‌ای و قومی: نقش باورها و فرهنگ قومی بسیار مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان بود. «اقوام و قومیت‌های مختلف با یکسری باورها مثل اینکه دختر باید در خانه همسر حیض شود، یا عقد دختر عمو و پسر عمو را در آسمانها خوانده‌اند و ... فرزندانشان را به ازدواج مجبور می‌کنند» (شرکت‌کننده شماره ۶).

۳-۶. فساد اجتماعی: اغلب مصاحبه‌شوندگان بر نقش فساد اجتماعی و ترس خانواده‌ها از بی‌آبرویی یا بارداری‌های ناشی از ارتباط دختران و پسران به عنوان عامل زمینه‌ساز کودک همسری تأکید داشتند. «بعضی خانواده‌ها معتقدند در جامعه امروز با این همه فساد، کنترل فرزندان سخت است، لذا بهتر است با ازدواج زودهنگام از بی‌آبرویی پیشگیری کرد» (شرکت‌کننده شماره ۷).

۳-۷. تنوع طلبی یا اختلال روانی و جنسی مردان: تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به وجود برخی اختلالات در مردان که اختیار کردن همسران کم سن و سال را موجب می‌شود، اشاره داشته‌اند. «وجود برخی اختلالات روانی مثل پارانویا یا اختلالات پدوفیلیا می‌تواند علت دیگری برای به همسری گرفتن کودکان دختر در برخی مردان باشد» (شرکت‌کننده شماره ۲).

۴. راهکارهایی برای پیشگیری از کودک همسری: دیگر مضمون اصلی اخذشده از تحلیل داده‌ها، راهکارهای پیشنهادی شرکت‌کنندگان جهت پیشگیری از کودک همسری است؛ که از بطن آن شش مضمون فرعی استخراج شد. این مضامین عبارتند از: آگاهی بخشی

پایین، ازدواج می‌کنند، بعدها به طلاق روی می‌آورند» (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

۳. علل زمینه‌ساز کودک همسری: سومین مضمون اصلی، به علل زمینه‌ساز کودک همسری اشاره داشت که برای آن هفت مضمون فرعی شامل مشکلات اقتصادی و فقر، فضای مجازی، عدم توجه به نیازهای عاطفی، آشفتگی‌های خانوادگی، فرهنگ عشیره‌ای و قومی، فساد اجتماعی، تنوع طلبی یا اختلال روانی و جنسی مردان شناسایی شد.

۳-۱. مشکلات اقتصادی و فقر: افراد شرکت‌کننده در پژوهش معتقد بودند، مشکلات اقتصادی و فقر عامل اصلی کودک همسری است. «اکثر افرادی که کودک همسر هستند اغلب با مشکلات اقتصادی و فقر در خانواده پدری خود مواجه هستند» (شرکت‌کننده شماره ۸).

۳-۲. فضای مجازی: در بررسی عوامل زمینه‌ساز کودک همسری، افراد به نقش فضای مجازی اشاره کرده‌اند. «زمانی که کودکان و نوجوانان افسار گسیخته از فضای مجازی استفاده می‌کنند با محرک‌های مختلف جنسی مثل فیلم‌ها و عکس‌ها مواجه می‌شوند که منجر به فشارهای جنسی و تمایل به ازدواج زودهنگام می‌شود» (شرکت‌کننده شماره ۱۵).

۳-۳. عدم توجه به نیازهای عاطفی: از نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش، بعضی خانواده‌ها بدون توجه به نیازهای مختلف فرزندان، آن‌ها را در مسیر ازدواج قرار می‌دهند. «بعضی خانواده‌ها معتقدند که با ازدواج زودهنگام، بچه‌هایشان صاحب خانه و زندگی می‌شوند. لذا با این فکر آنها را در سنین پایین، مجبور به ازدواج می‌کنند» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

۳-۴. آشفتگی‌های خانوادگی: آشفتگی در بستر خانواده و عدم تفاهم والدین، می‌تواند زمینه کودک

۴-۴. در نظر گرفتن ابعاد مختلف رشد در ازدواج نه فقط سن: شرکت‌کنندگان معتقدند سن ملاک خوبی برای تعیین کودک همسری نیست. «به نظرم سن ملاک تعیین‌کننده نیست، زیرا تفاوت‌های فردی در انسان‌ها وجود دارد لذا بهتر است به بالیده شدن فردی که قصد ازدواج دارد از ابعاد مختلف رشدی پرداخته شود نه این‌که فقط سن مدنظر باشد. اگر صرفاً به سن توجه شود، آن‌وقت در کشور ما در کنار کودک همسری پدیده پیرهمسری هم وجود دارد.» (شرکت‌کننده شماره ۱)

۴-۵. آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض به خانواده‌ها: تعدادی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند اگر بستر خانواده‌ها گرم و صمیمی باشد، کودک همسری کاهش می‌یابد. «اگر اعضای خانواده‌ها ارتباط مؤثری با هم داشته باشند و تعارض‌هایشان را مسالمت‌آمیز حل کنند و به نیازهای یکدیگر بها دهند، کودک همسری کاهش می‌یابد و این شرایط مستلزم آموزش مهارت‌های زندگی خانوادگی است» (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

۴-۶. ارتقاء سواد رسانه در اقشار مختلف جامعه بالاخص نوجوانان و جوانان: از منظر برخی شرکت‌کنندگان فضای مجازی پتانسیلی برای پیشگیری است به شرطی که سواد استفاده از آن را داشته باشیم. «اگر افراد جامعه مخصوصاً نوجوانان و جوانان سواد رسانه‌ای داشته باشند نه تنها در دام نمی‌افتند بلکه می‌توانند از این ظرفیت برای آموزش در راستای ازدواج صحیح و پیشگیری از کودک همسری استفاده کنند» (شرکت‌کننده شماره ۷).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی پدیده کودک همسری از دیدگاه پدیدارشناختی انجام گرفت. نتایج حاصل تا

عمومی از طریق رسانه‌ها، فرهنگ‌سازی، مشروط‌کردن ازدواج‌ها به مشاوره پیش از ازدواج در قالب قانونی با ضمانت اجرایی، در نظر گرفتن ابعاد مختلف رشد در ازدواج نه فقط سن، آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض به خانواده‌ها، ارتقا سواد رسانه در اقشار مختلف جامعه بالاخص نوجوانان و جوانان.

۴-۱. آگاهی بخشی عمومی از طریق رسانه‌ها و آموزش و پرورش: همه شرکت‌کنندگان بلااستثنا بر نقش آگاهی بخشی به افراد جامعه در خصوص ازدواج سالم تأکید داشتند. شرکت‌کننده شماره ۸ معتقد است «اگر مسئولان بتوانند از طریق رسانه‌های مختلف و مخصوصاً آموزش و پرورش آگاهی‌های لازم را در مورد هدف ازدواج، شرایط ازدواج سالم به خانواده‌ها و نوجوانان بدهند، به‌طور چشمگیری کودک همسری کاهش می‌یابد.»

۴-۲. فرهنگ‌سازی: همه شرکت‌کنندگان در مصاحبه فرهنگ‌سازی را آیت‌م مؤثری در پیشگیری از کودک همسری می‌دانند. «برای تغییر هر رفتاری در جامعه اول باید دیدگاه‌ها و نگرش‌های افراد جامعه نسبت به آن پدیده تغییر کند، تا رفتارهای صحیحی نمود یابد و این یعنی فرهنگ‌سازی. لذا یک‌شبه و با یک قانون خط‌کشی نمی‌توان پیشگیری کرد. باید از طرق مختلف موجهی آفرید و فرهنگ ازدواج سالم در سن مناسب را ایجاد کرد» (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

۴-۳. مشروط کردن ازدواج‌ها به مشاوره پیش از ازدواج در قالب قانونی با ضمانت اجرایی: از نظر شرکت‌کنندگان در این پژوهش، مشاوره پیش از ازدواج باید اجباری شود. «اگر می‌خواهیم در جامعه مشکلات ازدواج، طلاق و .. حل شود، یک راهکار اساسی اجباری کردن مشاوره‌های قبل از ازدواج زیر نظر مشاوران کارآمد و تعلیم‌دیده است» (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

حدودی با برخی تحقیقات قبلی همخوانی داشت. با عنایت به یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نمود که ازدواج سنگ بنای مفهوم خانواده است و در ارتباط با شرایط آن، مسائل مهمی مطرح می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها سن افراد به هنگام ازدواج است. در کشورهای در حال توسعه آمار دخترانی که زودتر از موعد ازدواج می‌کنند بیشتر از پسران است؛ بنابراین هنگامی که بحث کودک همسری مطرح می‌گردد بیشتر گروه دختران هستند که مورد بررسی در پژوهش‌ها، قرار گرفته‌اند. ازدواج زودهنگام اثرات مخرب روانی و جسمانی مانند بارداری و زایمان در سنین پایین، فقدان یا کم‌شدن فرصت تحصیل و به‌دنبال آن نیافتن شغل مناسب برای دختران، وضعیت زندگی و معیشتی نامناسب و در نهایت فشار ناشی از مسئولیت‌ها و نقش‌ها (پیش از تحقق ظرفیت‌ها) را به‌دنبال دارد (۲).

بنابراین، اگرچه یکی از کارکردهای اصلی ازدواج پاسخ به نیازهای جنسی و روانی است اما به دنبال ازدواج نهاد خانواده شکل می‌گیرد که نهادی حقوقی- اجتماعی و دارای ابعادی گسترده است. لذا در نظر گرفتن بلوغ جسمانی و جنسی به‌تنهایی کافی نیست. برای انعقاد چنین قراردادی مهم، رشد، آگاهی، آموزش، آزادی و قدرت انتخاب و درک مفهوم و آثار و نتایج این قرارداد برای طرفین ازدواج و بسیاری بایدها و نبایدهای دیگر ضروری است و این همه الزاماً با بلوغ جسمی همراه نیست (۱۰). زنان در خانواده نقش ایجادکننده آرامش را دارند اما دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند گاه جایگاهی بغرنج در حد یک کالای جنسی پیدا می‌کنند و مسئولیت‌های سنگینی را تجربه می‌کنند که فراتر از توانایی آن‌ها است و در نهایت پس از بلوغ فکری به این نتیجه می‌رسند که فرصت تحصیل، بودن با همسالان و پرداختن به فعالیت‌های مربوط به دوران کودکی را از

دست داده‌اند؛ در این شرایط زنان یا اقدام به طلاق می‌کنند که منجر به طرد اجتماعی آن‌ها می‌شود یا دچار افسردگی می‌شوند که خود منجر به بدکارکردی آن‌ها در نظام خانواده می‌گردد که این امر اثر مخربی بر تربیت فرزندان دارد (۱۱). از سویی دیگر اغلب این دختران همسرانی مسن‌تر از خودشان دارند که قبلاً شریک جنسی داشته‌اند؛ بنابراین امکان ابتلای این دختران به بیماری‌های مقاربتی بیشتر است چرا که از جمله طبق پژوهش‌ها در این زمینه، فقط ۲۴ درصد دختران ۱۵ تا ۲۴ سال طریقه پیشگیری از ابتلا به ویروس HIV را می‌دانند (۷). جان و همکاران (۲۰۱۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی میان ازدواج زودهنگام و روابط بین زوجین در زمینه‌هایی مانند صمیمیت، ارتباط و برابری، وجود دارد (۵).

از سوی دیگر لزوم حمایت از حقوق کودکان به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر ضروری به نظر می‌رسد و قانونگذاران باید در بازنگری‌های خویش به پدیده ازدواج از ابعاد مختلف بپردازند و آسیب‌ها و تهدیدهای کودک همسری را جدی بگیرند. از این گذشته در جایی که در بسیاری از امور نظیر انعقاد قرارداد، تصرف در دارایی شخصی، درخواست تابعیت، اخذ گواهینامه رانندگی، رأی دادن و... افراد کمتر از ۱۸ سال اجازه ورود ندارند، چگونه است که در امر ازدواج که امری به مراتب مهم‌تر و پیچیده‌تر از موارد فوق است، چنین اجازه‌ای داده می‌شود. بنابراین برای داشتن اجازه ازدواج باید قابلیت‌های فرد از ابعاد مختلف جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد تا تصمیمی اخذ شود که مصالح فرد و جامعه تأمین گردد (۱۰). هرچند بازنگری و اصلاح قانون می‌تواند مفید واقع شود اما تعیین حداقل سن ازدواج به تنهایی کافی نیست و به‌طور کامل از ازدواج‌های اجباری پیشگیری به عمل نمی‌آورد؛ بلکه راه‌حل، بومی‌سازی

علاوه پیشنهاد بر این است که آموزش و پرورش کشور، با انجام فراتحلیلی بر مطالعات مربوط و جمع‌بندی نتایج چنین پژوهش‌هایی، برنامه جامعی را برای پرورش دانش‌آموزان و آگاهی آنان به عنوان آینده‌سازان جامعه طراحی نماید؛ تا بدین طریق زمینه پیشگیری از ازدواج‌های نافرجام جامعه پدید آید. چنین برنامه جامعی می‌تواند شامل آموزش مهارت‌های زندگی به صورت عملیاتی، آموزش مدیریت هیجان و آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج باشد.

ملاحظات اخلاقی

اطلاعات لازم در رابطه با دلایل تحقیق، نتایج، حفظ محرمانگی و نحوه انجام تحقیق به افراد داده شد و پرسشنامه‌ها توأم با رضایت آگاهانه تکمیل گردید.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

انجام این پژوهش با همکاری بی دریغ مصاحبه‌شوندگان مقدور شده است؛ لذا پژوهشگران از شرکت‌کنندگان در این تحقیق کمال تشکر و قدردانی را دارند.

حقوق کودکان در ایران با توجه به شرایط، می‌باشد؛ منظور از بومی‌سازی، مطرح کردن بحث رضایت به هنگام ازدواج بر اساس موازین دین اسلام است (۱۲).

همچنین ازدواج زودهنگام با برخی از سیاست‌گذاری‌های اجتماعی دولت سازگار نیست و از این حیث، نیازمند مداخله است؛ برای مثال، برخورداری از حداقل تحصیلات برای تمامی افراد ضروری و حتی در چارچوب برخی قوانین از گذشته اجباری است (قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب ۱۳۲۲) و چنان که ذکر شد هنگامی که کودکان پیش از رسیدن به سن قانونی ازدواج می‌کنند بنابر وضعیت و شرایط زندگی و مسئولیت‌های خانواده از امر تحصیل بازمی‌مانند زیرا تحصیل نیازمند فراغت و شرایط باثبات است که گاهی این کودکان از آن محروم‌اند (۱۳).

از آنجا که انجام هر کار پژوهشی با محدودیت‌ها و مشکلاتی مواجه است، این پژوهش نیز خالی از محدودیت نبود. از جمله مشکلات این پژوهش، نبود پیشینه تجربی کافی است که مقایسه یافته‌ها را با مشکل مواجه ساخت. به علاوه محدود بودن نمونه، در انجام این پژوهش، جامعیت داده‌ها را زیر سؤال می‌برد. از این رو با در نظر گرفتن این موارد و با تأمل در نتایج حاصل‌شده، پژوهش‌های بیشتر در حوزه مربوط به راهکارها و طراحی بسته‌های آموزشی ویژه نوجوانان و جوانان، والدین و سازمان‌ها، که حالت کاربردی داشته باشند و در بافت‌های مختلف اجتماعی هنجاریابی شوند، ضروری به نظر می‌رسد. لذا انجام پژوهش‌هایی با اهداف فوق پیشنهاد می‌شود. همچنین با توجه به علل مختلف و مسائل گوناگون مؤثر بر کودک همسری، انجام پژوهشی مشابه با بهره‌گیری از نظر متخصصان در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی، حقوق و جامعه‌شناسی نیز پیشنهاد می‌شود؛ تا راهکارهای تخصصی‌تر از نظرات آنان استخراج شود. به

References

1. Farahmand M, Danafar F, Pourebrahimabadi M. Analyzing the marital experiences of children in marriage: emotional-intellectual confusion and powerlessness. *Bi-quarterly journal of contemporary sociological researches*. 2020; 9(17), 115-145. [Persian]
2. Zamani R, Saberian A, Rouhani Maghaddam M. Marriage Age and Its Status in International Instruments. *MLJ*. 2019; 13 :353-365. [Persian]
3. Eftekhazadeh Z. Lived Experiences of Female Victims of Child Marriage. *Social work research paper*. 2015; 2(3): 111-155. [Persian]
4. Beyabanagard A. *Educational Psychology*. Tehran: Virayesh Publisher; 2015. [Persian]
5. John NA, Edmeades J, Murithi L, Barre I. Child marriage and relationship quality in Ethiopia. *Culture, Health & Sexuality*. 2019; 21(8): 853-866.
6. Ahmadi K. *Resonance of Silence: a comprehensive research on Child Marriage in Iran*. Shiraz; 2017. [Persian]
7. Meghdadi M M, Javadpour M. Impact of Early Marriage on Children's Sexual Health and Mechanisms of Deal with It. *MLJ*. 2017; 11(40): 31-60. [Persian]
8. Landini C. *Child Marriage in The Context Of COVID-19*. UNICEF; 2021, p. 2-32.
9. Ahadi arson K. Study of the experiences of high school teachers in Tabriz from continuous evaluation in 2011-2012 [dissertation]. Tabriz university; 2014. [Persian]
10. Hosseini Pouya M. *Child Marriage (Message from the Responsible Director)*. The internal quarterly of the Bar Association. 2017; 17: 11-16.
11. Imanzadeh A, Alipour S. The lived experience of women in Marand from the problems of early marriage. *Women and culture scientific research quarterly*. 2015; 8(30): 31-46. [Persian]
12. Asghari S. *Early Marriage in Iran: A Pragmatic Approach*. *Journal of Human Rights Practice*. 2019; 11: 569-588. [Persian]
13. Siah Bidi Kermanshahi S, Bahram Puri R, Koohestani M. *Jurisprudential analysis of child*

marriage in the light of criticisms on it; An attempt to provide a favorable offer. *Scientific, cultural and educational journal of women and family*. 2019; 15(52): 149-165. [Persian]